



مرکز تهران

پایان نامه:

برای دریافت مدرک کارشناسی ارشد

رشته فلسفه و کلام اسلامی

گروه الهیات

عنوان پایان نامه:

اشکالات غزالی بر فیلسوفان مسلمان در مسأله معاد و

پاسخهای فیلسوفان پیش از ملاصدرا

زهرة همتیان

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر ناصر مؤمنی

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر ناصر محمدی

آذر ۱۳۹۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقدیم به:

روح پدرم:

تو رامی ستایم که ز حمکش ترین و بی ادعترین پدر دنیا بودی.

مادر عزیزم:

معلم ایمان و ایثار، یاور و مهربان که قلب پاکش منبع دعای خیر در زندگی ما است؛
و مصائب زیادی متحمل شد تا دریا بزم چرخ خداوند بهشت را زیر پایش قرار داده است.

و

همسر عزیزم، ای متین ترین، صبورترین، زحمکش ترین و عظیم ترین.

تقدیر و تشکر:

سپاس و ستایش خداوندی را که به بندگانش عزم و اراده بخشید، تا به خواسته هایشان برسند و در این راه انسانهایی را برگزید تا ره‌نما و دستگیرشان باشند.

بجاست از باب (لم یسکر المخلوق لم یسکر الخالق) سپاسگزار و قدردان زحمات عزیزانی باشم که راه‌نما و دستگیرم بوده‌اند. به خصوص اساتید گرانقدر جناب آقای دکتر ناصر مؤمنی و جناب آقای دکتر ناصر محمدی که زحمات بسیاری را برای اینجانب متقبل شده‌اند.

چکیده:

مسأله معاد و باور به زندگی پس از مرگ در همه ادیان الهی وجود دارد و مورد قبول تمامی پیامبران الهی می باشد و همگی بر انجام آن متفق القولند. اما چیستی و چگونگی این امر همواره مورد سؤال اندیشمندان بوده و خواهد بود. از اینرو نظرات متفاوت به آن داده شده است. از جمله این متفکران می توان به فلاسفه بزرگی چون فارابی و ابن سینا اشاره کرد. ابن سینا اعتقاد به معاد جسمانی و روحانی داشته، که البته توانسته است معاد روحانی را با براهین و دلائل متفاوت به اثبات رساند و در مورد معاد جسمانی اظهار عجز و ناتوانی کرده. ولی این هرگز به معنی انکار آن نیست. اما بعضی از فلاسفه و متکلمان از جمله ابو حامد محمد غزالی نسبت کفر به این دانشمندان و حکیمان داده و لبه تیغشان را متوجه آنان ساخته اند. اما این نسبت کفر و ارتداد، بی پاسخ نماند و چندین سال بعد از غزالی، متفکر و دانشمند بزرگی به نام ابن رشد اندلسی در صدد پاسخ به آن برآمد تا از این دو اندیشمند رفع اتهام کند، هر چند پاسخ های وی وافی به مقصود نبود و در این امر مهم ره به جایی نبرد. شاید در آرای آنها می توان مواردی را یافت که با حشر همه نفوس که مورد نظر دین اسلام است چندان هماهنگ نباشد. مانند نظر فارابی به بی نیازی نفوس کاملان به بدن جسمانی و همچنین نابودی نفس های ضعیف که نتوانسته اند به مرتبه ای از کمال برسند و یا نظر ابن سینا مبنی بر تعلق نفس به اجرام آسمانی. از این جهت می توان تا حدودی به غزالی حق داد، ولی نه به آن صورت که آنان را کلاً منکر این نوع معاد دانست و تکفیر کرد. همچنان که خود غزالی نیز به خاطر اعتقادش به حشر بدنی مانند بدن جسمانی و نه عین آن، متهم به تناسخ و تکفیر شد.

کلید واژه: بقای نفس - معاد روحانی - معاد جسمانی

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
فصل اول (کلیات)	
مقدمه	۲
تعریف و بیان مسأله	۲
بیان سوال های اصلی تحقیق	۳
فرضیه ها	۳
هدف ها	۳
نو آوری این پایان نامه	۴
روش تحقیق	۴
معاد در لغت و اصطلاح	۴
اقوال گوناگون در باب معاد	۶
ضرورت معاد	۷
معاد در قرآن	۸
چگونگی معاد و رستاخیز از نظر فیلسوفان اسلامی	۱۰

مشکل معاد جسمانی ۱۴

دیدگاه متکلمان و تناسخیه ۱۵

دیدگاه های خدا ناباورانه ۱۶

پاسخ قرآن به دیدگاه دهریون ۱۷

فصل دوم (دیدگاه های فارابی درباره معاد)

نظر فارابی در مورد بقای نفس ناطقه ۱۹

اقسام مرگ از نظر فارابی ۲۱

رویکرد فارابی به مسأله معاد ۲۱

نوعی ابهام در آراء فارابی ۲۴

سه گروه از نفوسی که با مرگ نابود می شوند ۲۶

نتیجه معاد فارابی ۲۷

فصل سوم (ابن سینا و معاد)

شیخ الرئیس ابن سینا ۳۰

مرگ و علت آن از دیدگاه فلاسفه ۳۰

علت ترس از مرگ از دید ابن سینا ۳۱

۳۳	برتری کمالات نفسانی.....
۳۶	رابطه نفس و بدن از دیدگاه ابن سینا.....
۳۸	ابن سینا و معاد جسمانی.....
۴۱	تناسخ.....
۴۳	اصول اثبات معاد روحانی از دیدگاه ابن سینا.....
۴۵	دلایل جاودانگی نفس ناطقه.....
۴۶	تجرد نفس.....
۴۷	بساطت و عدم ترکیب نفس.....
۴۸	دیدگاه ابن سینا در مورد بقای نفس ناطقه.....
۴۹	دلیل بی نیازی نفس به بدن.....
۵۰	احوال نفس بعد از مفارقت از بدن.....
۵۱	سر انجام نفوس بشری.....
۵۲	تقسیم بندی نفوس در معاد.....
۵۴	سر انجام نفوس ساده دل.....
۵۶	نتیجه معاد ابن سینا.....

خواجه نصیر و بقای روح پس از مرگ..... ۵۹

دیدگاه شیخ اشراق درباره معاد..... ۶۲

برخی از دیدگاه های فلاسفه و متکلمان درباره معاد..... ۶۴

فصل چهارم (دیدگاه های غزالی درباره معاد)

زاد و زندگی غزالی در یک نگاه..... ۶۶

غزالی و حشر و نشر و بعث و اعاده..... ۶۷

عقیده غزالی در معاد جسمانی..... ۶۹

اثبات معاد جسمانی توسط غزالی..... ۷۰

مبانی نظر غزالی در باب معاد..... ۷۰

آتش روحانی دردناک تر از آتش جسمانی است..... ۷۲

دیدگاه غزالی پیرامون لذت و الم اخروی از نگاه امام خمینی..... ۷۳

اشکالات نظر غزالی درباره معاد جسمانی..... ۷۵

دیدگاه های متفاوت درباره ابطال انکار حشر..... ۷۶

رویکرد غزالی به دیدگاه مشائیان..... ۷۷

ابطال فرض های مختلف درباره معاد..... ۷۹

- ۸۲.....اعتراضات غزالی به انکار حشر جسمانی
- ۸۶.....لزوم اعتقاد به همه معانی معاد
- ۸۷.....تحلیل اعتراضات غزالی بر اعتقاد به انکار حشر جسمانی
- ۸۹.....حکم تکفیر و بدعت گرایی فلاسفه
- ۹۲.....مخالفان غزالی
- ۹۳.....تأثیر غزالی در مباحث فلسفی
- ۹۴.....دفاع از شیخ الرئیس و معاد جسمانی
- ۹۵.....دفاع حکیم مدرس زنوزی از ابن سینا در مسئله معاد
- ۹۶.....نتیجه عقاید امام محمد غزالی در معاد
- فصل پنجم (چالش فلسفی غزالی و ابن رشد)
- ۹۹.....مواجهه ابن رشد با غزالی
- ۱۰۱.....نظریه ابن رشد در باب معاد جسمانی
- ۱۰۳.....پاسخ ابن رشد به اعتراضات غزالی در حشر اجساد
- ۱۰۷.....نتیجه نظرات ابن رشد در مسأله معاد
- ۱۰۹.....تعقل و اندیشه در جهان اسلام پس از ابن سینا

دیدگاه صدرالمتألهین بر نظرات غزالی در مسأله معاد..... ۱۱۱

صدرالمتألهین و تکفیرهای غزالی..... ۱۱۲

نتیجه گیری..... ۱۱۴

منابع و مأخذ..... ۱۲۲

فصل اول

کلیات

مقدمه

تعریف و بیان مسأله:

از کجا آمده ام؟ آمدنم بهر چه بود؟ به کجا می روم آخر نمایی وطنم؟

مسأله معاد که از اصول اعتقادی دین اسلام است، در مباحث دینی و هم چنین فلسفی از جایگاه والا و مهمی برخوردار است و همه فلاسفه مسلمان کوشیده اند آن را اثبات نمایند. اما آن چنان که در قرآن تصویر شده است، یعنی معاد جسمانی - روحانی، توسط فیلسوفان قبل از ملاصدرا به اثبات نرسیده است.

برای مثال: ابن سینا که شیخ فلاسفه لقب گرفته بود تنها معاد روحانی را توانسته است اثبات کند و در باب معاد جسمانی گفته است چون صادق مصدق به آن خبر داده است می پذیرم اما با قواعد فلسفی نمی توان آن را اثبات کرد.

غزالی در کتاب تهافت الفلاسفه در بیست مسأله بر فلاسفه اشکال کرد و در آن بین سه مسأله را انتخاب کرد و فیلسوفان را به جهت عقیده به آنها تکفیر کرد که یکی از آنها مسأله معاد است (البته غزالی تنها کسی نبود که دست به تکفیر فیلسوفان زد).

برخی از فلاسفه، از جمله ابن رشد به دفاع از فیلسوفان برآمدند و سعی کردند به غزالی پاسخ دهند. در این پایان نامه پس از بیان دیدگاه بعضی از فیلسوفان مورد نظر غزالی مثل فارابی و بخصوص ابن سینا در مورد مسأله معاد و آشنایی مناسب و لازم با آنها، نظریات او در مسأله معاد و اشکالاتی که بر حکما گرفته است بیان شده و سپس پاسخ به این اشکالات از زبان فیلسوفان دیگر و بخصوص دفاع ابن رشد و نقادی او بر دیدگاه های غزالی را مورد تحقیق قرار می دهیم.

هرچند بعضی فلاسفه مانند ابن سینا نتوانستند معاد جسمانی را از طریق برهان ثابت کنند و به آیات و روایات بسنده کردند، اندیشمندی مانند ملاصدرا تلاش کرده است معاد جسمانی به صورت استدلالی نیز به اثبات برساند.

بیان سوال های اصلی تحقیق

- ۱- دیدگاه های فارابی و ابن سینا در باره معاد چگونه است؟
- ۲- اشکالات غزالی بر فیلسوفان مسلمان چیست؟
- ۳- دیدگاه ابن رشد در باره معاد چیست؟
- ۴- کدام یک از پاسخ ها، اشکالات غزالی را دفع می کند؟

فرضیه ها

- ۱-فارابی در مورد مسأله معاد، دیدگاه های متفاوتی دارد.
- ۲- برداشت غزالی از دیدگاه ابن سینا مبنی بر انکار معاد جسمانی نادرست است.
- ۳- ایرادهای غزالی به یکی از نظرات فارابی وارد است.
- ۴- پاسخ های ابن رشد به ایرادهای غزالی وافی به مقصود نیست.

هدف ها

- ۱- کسب اطلاعات دقیق درباره معاد برای نگارنده.
- ۲- آشنایی مناسب با نظرات فیلسوفان قبل از غزالی در مورد معاد.
- ۳- آشنایی و نقد اشکالات غزالی بر فلاسفه مسلمان در مسأله معاد.
- ۴- نقد و ارزیابی دیدگاه ابن رشد نسبت به اندیشه های غزالی.

بنابراین سعی و تلاش ما در این پایان نامه بر این منوال بوده است که ابتدا نظریات فارابی و حکیم ابن سینا درباره نفس و بخصوص بقای آن که به نحو مستقیم به معاد مربوط می شود بررسی و سپس ایرادهای غزالی مطرح و با توجه به دیدگاه های این فیلسوفان و همچنین ابن رشد مورد ارزیابی قرار گیرد.

نوآوری این پایان نامه

در مباحث دینی و فلسفی بحث معاد از جایگاه والا و مهمی برخوردار است و سعی و تلاش اکثر فلاسفه اسلامی بر اثبات این امر مهم بوده است. اما کمتر نوشته ای را می توان یافت که نظرات سه فیلسوف بزرگ دنیای اسلام: ابن سینا، غزالی و ابن رشد در آن مورد نقد و بررسی قرار گرفته باشد.

روش تحقیق

روش تحقیق در این پایان نامه توصیفی، تحلیل محتوا است و شیوه جمع آوری اطلاعات، کتابخانه ای، فیش برداری از کتب، مقالات، مجلات و پایان نامه ها و دیگر آثار مکتوب بوده است. هم چنین بسیاری از مطالب از طریق اینترنت جمع آوری گردیده است. سپس مطالب جمع آوری شده پس از تأمل و تفکر زیاد به صورت منسجم و منظم تدوین گردیده است.

معاد در لغت و اصطلاح

از نظر علامه مجلسی، معاد به سه معنی می باشد: اول عود و رجوع به جایی یا حالی که از آن منتقل شده باشد، دوم مکان عود، سوم زمان عود و در اینجا منظور عود روح است به حیات برای یافتن جزای اعمال که در مدت حیات دنیا از خیر و شر یا مکان یا زمان عود به دست آورده است و تمام این ها به یک چیز بر می گردند و آن روحانی و جسمانی می باشد. و روحانی آن است که روح باقی می ماند

بعد از مفارقت بدن، اگر از سعدا باشد به علوم و کمالاتی که در دنیا اکتساب نموده، مبتهج می گردد و مسرور می شود. و اگر از اشقیا باشد به جهل مرکب و بسیط و صفات ذمیمه که در این دنیا کسب کرده است معذب و مغموم است و فلاسفه به همین معاد قائلند و بهشت و دوزخ را تأویل به این دو حالت می کنند. (رستگار مقدم گوهری، ۱۳۷۸، ص ۶۰)

بعضی دیگر معاد را چنین توجیه می کنند: معاد یعنی عود ارواح به اجساد، یعنی انسان وقتی می میرد روحش از بدنش مفارقت می کند و این روح جدای از بدن در عالم برزخ تا روز قیامت باقی می ماند، وقتی که قیامت بر پا شد این روح ها بر می گردد به بدن های خودشان و هر روحی به بدن خودش برمی گردد.

صدرالمتألهین شیرازی معاد را چنین تعریف می کند: «لما علمت ان لكل شیء معادا و مرجعا، كما ان له مبدأ و منشأ، فأن المعاد بمعنی العود و الرجوع للشیء الی الحاله التي خرج منها». «یعنی برای هر چیزی معاد و مرجعی است، چنانچه مبدأ و منشأیی برای آن وجود دارد، معاد یعنی عود و رجوع شیء است به حالتی که از آن خارج شده است». (پیشین، ص ۶۰)

بنا بر این می توان گفت که معاد یعنی بازگشت و رجوع به بدن جهت ثواب و عقاب اعمالی که در دنیا مرتکب شده است.

در قرآن کلمه معاد به معنای اصطلاحی آن نیامده است. فقط در یک مورد در آیه کریمه «ان الذی فرض علیک القرآن لرادک الی معاد» (قصص/آیه ۸۵) آمده است که اسم زمان یا مکان عود است که اکثر مفسرین آن را به مکه معظمه تفسیر نموده اند. ولی آنچه که دال بر قیامت و رستاخیز است، کلماتی نظیر راجعون - یرجعون و مرجع و مآب و غیر ذالک می باشد.

شاید می توان چنین گفت که در هر آیه ای اگر از کلمات رجع استفاده شده است مراد حضور در قیامت و باز پس دادن حساب و کتاب است و در هر آیه ای که از کلمات عود استفاده شده است، مراد برانگیخته شدن از خاک برای حضور در قیامت یا رجعت به دنیا باشد. (همان، ص ۶۱) باید گفت آراء و نظرات درباره معاد به شکل های متفاوت می باشد. که چند مورد از آن در اینجا ذکر می شود. معاد فقط جسمانی است که قول بیشتر متکلمین است. معاد فقط روحانی است که رأی اکثر فلاسفه است. معاد هم جسمانی و هم روحانی است که نظر قرآن و تعداد زیادی از محققین است. معاد اصلاً وجود ندارد که قول قدمای فلاسفه می باشد. معاد هیچ کدام از اقوال مذکور نمی باشد که منسوب به جالینوس است.

بر اساس آیات قرآن و روایات و احادیث، قول درست و صحیح قول سوم است یعنی معاد هم جسمانی است و هم روحانی .

معنای معاد روحانی رجوع نفس به عالم تجرد و روحانیت است و معنای معاد جسمانی برگشت بدن و یا مثل آن، به وجود بعد از فنا و عدم آن.

اقوال گوناگون در باب معاد

علاءالدین طوسی از امام فخر رازی نقل می کند که آراء و نظرات درباره معاد به پنج شکل می باشد.

معاد فقط جسمانی است که قول بیشتر متکلمین است .

معاد فقط روحانی است که رأی اکثر فلاسفه است .

معاد هم جسمانی است و هم روحانی است که نظریه تعداد زیادی از محققین است .

معاد اصلاً وجود ندارد که قول قدمای فلاسفه می باشد.

معاد هیچ کدام از اقوال مذکور نمی باشد که منسوب به جالینوس است .

وی بعد از بیان آراء فوق در زمینه معاد می گوید: قول درست و صحیح قول سوم است یعنی معاد هم جسمانی است و هم روحانی .

معنای معاد روحانی رجوع نفس به عالم تجرد و روحانیت است و معنای معاد جسمانی برگشت بدن و یا مثل آن، به وجود بعد از فنا و عدم آن. (طوسی، بی تا، ص ۳۷۱)

ضرورت معاد

علاقه به جاودانگی با حیات بشر عجین شده است. از اینرو کمتر کسی را می توان یافت که به این مسئله نیندیشد. توجه به تاریخ زندگی بشر، نشان می دهد که از دیرباز در ذهن خود سودای جاودانه بودن را می پرورانده است. شواهدی از اعتقاد به زندگی پس از مرگ در انسانهای ماقبل تاریخ، مصر باستان، تمدن بین النهرین، ایران باستان، هند باستان، چین باستان، ژاپن، یونان باستان، آفریقا و آمریکا یافت می شود. رسوخ این عقیده در میان مردم، سبب ارائه نظریات متعدد در باب کیفیت زندگی پس از مرگ از سوی اندیشمندان شده است که شاید ارائه تقسیمی دقیق از آنها غیرممکن باشد. (اکبری، ۱۳۸۲، ص ۱۳۹)

در این جهان انسان ها در انتخاب و انجام کارهای خوب و بد آزادند، از یک سو کسانی یافت می شوند که تمام عمر خود را صرف عبادت خدا می پردازند و همچنین خدمت به بندگان او را از وظایف اصلی خود می دانند. و از سوی دیگر تبهکارانی دیده می شود که برای رسیدن به هوس های شیطانی خودشان، بدترین سمت ها و زشت ترین گناهان را مرتکب می شوند و از سوی دیگر یکی از غرایز اصیل انسان، حب به بقا و جاودانگی است که دست آفرینش الهی در فطرت او به ودیعت نهاده

است و حکم نیروی محرک فزاینده ای را دارد که او را به سوی ابدیت سوق می دهد و همواره بر شتاب حرکتش می افزاید. اکنون اگر فرض شود که سرنوشت متحرکی جز این نیست که در اوج شتاب حرکت به صخره ای برخورد کند و متلاشی شود آیا ایجاد آن نیروی فزاینده با چنین غایت و سرنوشتی متناسب خواهد بود؟ پس وجود چنین میل فطری هنگامی با حکمت الهی سازگار است که زندگی دیگری جز این زندگی محکوم به فنا و مرگ در انتظار او باشد.

معاد در قرآن

قرآن مجید به شکل های مختلف و روش های متنوعی حیات مجدد مردگان را به ثبوت می رساند و بعید بودن آنها از نظر عقل برطرف می سازد برای نمونه و نیز برای بیان یک واقعیت تردید ناپذیر به چند آیه اشاره می کنیم .

«والسما و الطارق، و ما ادریک ما الطارق، النجم الثاقب».(سوره طارق ۸۶ / آیه ۱ تا ۳)

قرآن پس از این سوگند ها می فرماید :

«ان کل نفس لما علیها حافظ . فلینظر الانسان مم خلق . خلق من ماء دافق . یخرج من بیت الصلب و الترائب. انه علی رجعه القادر . یوم تبلی السرائر. فما له من قوه و لا ناصر».(طارق ۸۶ / آیه ۴ تا ۱۰)(شریعتی سبزواری، ۱۳۸۶، ص ۲۰۵)

«آن روز هر کس در گرو عمل خویش است و به سرنوشتی که با عمل و عقیده خود ساخته، گرفتار خواهد شد. آنکه انسان را بر اساس محاسبه ای دقیق می آفریند، بدون شک پس از مرگ هم می تواند او را به صورت نخستین بازگرداند».(پیشین، ص ۲۰۵)

در قرآن کریم این قیاس عقلی و برهان فطری پیوسته به چشم می آید که هرگاه فرد یا گروهی ، عملی را انجام دهند، می توانند همان گونه ، کار بهتر و بزرگتری را هم انجام دهند. (همان، ص ۲۰۶)

قرآن در پاسخ شخصی که با تعجب می گوید: «چه کسی استخوان های پوسیده را زنده می کند؟» می فرماید: «یحیها الذی انشأها اول مره و هو بکل خلق علیم». (سوره یس ۳۶/آیات ۷۸-۷۹).

از نظر عقل این امر امکان پذیر است مثلاً رفتن به سمت سیاره مریخ سال ها است که مورد گفتگو است ، مردم آن را محال می دانند اما از هنگامی که سفینه فضایی بر کره ماه نشست ، مردم می گویند: مغزهای متفکری که توانستند به کره ماه برسند قادر خواهند بود بر سیاره مریخ هم بنشینند. (پیشین، ۲۰۶) در مورد امکان رستاخیز این به مراتب روشن تر و دلیلش محکم تر است، زیرا سخن از انجام کاری بزرگ تر و مهم تر نیست بلکه انجام کاری آسانتر و ساده تر است .

آفریدگار پس از خرابی ترکیبات بدن می خواهد از مواد موجود ، انسان بسازد که بدون شک بازگرداندن یک چیز آسان تر از ایجاد و ابتکار آن است. این آیات در گام اول ذهن انسان را به آغاز آفرینش و وجودش متوجه می سازد تا ببیند و ببیند چه مراحل طی شده است تا طفلی متولد شود و باز مراحل را می پیماید تا انسانی کاملی شود سپس پیری و پس از چندی مرگ فرا می رسد و انسان به منزلگاه اصلی بی می گردد. (پیشین، ص ۲۰۶)

قرآن می فرماید: «منها خلقناکم و فیها فعیدکم و منها نخرجکم تاره اخری». «از خاک شما را آفریدیم و به خاک باز می گردانیم و برای دیگر بار باز همین خاک شما را بیرون می آوریم». (سوره طه ۲۰/آیه

(۵۵

آیا چنین طراح نیرومندی از جمع کردن ذرات پراکنده بدن ناتوان است و نمی تواند دوباره کالبد را زنده نماید و روح آماده انسان را به جسمش برگرداند؟